

تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌کننده کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران

دکتر حمزه دیدار*

دکتر مهدی حیدری**

سعید پوراسد***

چکیده

کارایی، یکی از مهمترین معیارهایی است که سرمایه‌گذاران برای پیدا کردن فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری به دنبال عوامل تأثیرگذار بر آن هستند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌کننده کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا گزارش‌های مالی شرکت‌ها طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. همچنین از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها، تأثیر منفی و معناداری دارد و همچنین کیفیت حاکمیت شرکتی نقش تعدیل‌کننده بر تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی دارد. مدیران کوتاه‌بین با کاهش هزینه‌هایی که هدف از تحمل آنها به دست آوردن

* استادیار حسابداری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

** استادیار حسابداری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

نویسنده مسئول: حمزه دیدار (Email: h.didar@urmia.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۹

منافع بلندمدت است باعث کاهش ارزش شرکت می‌شوند که با بالا بردن سطح

نظارت بر مدیریت می‌توان این گونه رفتارهای مدیریت را کاهش داد.

واژه‌های کلیدی: کوتاه‌بینی مدیریتی، کارایی شرکت‌ها، کیفیت حاکمیت شرکتی.

مقدمه

لزوم استفاده بهینه از منابع محدود اقتصادی از دیرباز همواره مورد توجه بشر بوده است. از لحاظ علم مدیریت هم مفاهیمی چون تقسیم کار، وضع استانداردها، زمان‌سنجی، و تدوین مبنای علمی مربوط، همگی در راستای افزایش میزان تولید با بهره‌گیری مقدار مشخصی از منابع بوده است. همچنین توجه به شرایط نیروی کار و حالات روحی و روانی و انگیزشی آن، عامل دیگری در افزایش بهره‌وری و کارایی شرکت‌ها است. لذا، با اندازه‌گیری آن می‌توان به شکل بازخوردی انحراف از آنها را مشخص کرد و با اقدام اصلاحی برای رسیدن به این معیار بهینه گام برداشت؛ اینجاست که بحث بهره‌وری و کارایی مطرح می‌شود (دادخواه و همکاران، ۱۳۸۹). مدیران در اجرای برنامه‌های تجاری از توان انتخاب راهبردهای مختلف مدیریتی برخوردارند، که هر یک از این‌ها منجر به ایجاد جریان مختلفی خواهد شد و در نهایت کارایی مدیریت، مستلزم انتخاب بهترین راهبرد است که به بالاترین ارزش مورد انتظار بیانجامد. اما در عمل گاهی به جای تمرکز به اهداف بلندمدت و خلق بیشترین ارزش مورد انتظار از طریق انتخاب بهترین راهکار، به راهکارهایی روی می‌آورند که عملکرد کوتاه‌مدت آنها را بهبودمی بخشد و در بلندمدت عملکرد آنان مطلوب نخواهد بود و به گفته‌ای درگیر مدیریت کوتاه‌بین می‌شوند (لویتال^۱ و مارچ، ۱۹۹۳).

فعالیت‌های کوتاه‌بینانه دارای نتایج موقت مطلوبی هستند و پیامدهای منفی آن در بلندمدت نمایان می‌شود؛ زیرا بازارهای سرمایه قادر به درک صحیح پیامدهای کوتاه‌بینی در زمان وقوع نیستند. مدیران با نگرش کوتاه‌بین، زمانی که با سود کمتر از سود مورد انتظار مواجه می‌شوند ممکن است با قطع مخارج تحقیق و توسعه و بازاریابی این نقص را به‌طور موقت مرتفع سازند ولی در بلندمدت این نوع دستکاری‌ها مؤثر نخواهد بود (لهمن^۲،

۲۰۰۴). تأثیر رفتارهای کوتاه‌بینی مدیریتی مانند کاهش هزینه‌های تحقیق، توسعه و بازاریابی در یک دوره بلندمدت باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود (مرادی و باقری، ۱۳۹۳). چون مدیران ممکن است بر اساس منافع شخصی خود عمل کنند، ضروری است که سهامداران از طریق ایجاد سازوکارهای مناسب مشکلات ناشی از تضاد منافع را خنثی کنند. یکی از این سازوکارها حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی مستحکم در شرکت‌ها، رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را محدودتر کرده و در نتیجه، کیفیت و توان اتکای گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد (مهرانی و صفرزاده، ۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی پیش از هر چیز حیات بنگاه اقتصادی را در بلندمدت هدف قرار می‌دهد و درصدد است تا از منافع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان‌ها محافظت کند. دو هدف مهم حاکمیت شرکتی عبارت‌اند از (کیاسی^۳ و همکاران، ۲۰۰۵):

۱. بهبود کارایی بلندمدت سازمان از طریق جلوگیری از خودکامگی و عدم مسئولیت‌پذیری مدیریت اجرایی.

۲. کاهش ریسک بنگاه اقتصادی از طریق ارتقای شفافیت پاسخگویی.

سازوکار حاکمیت شرکتی به‌عنوان یک نظام موجب تعادل اهداف جمعی و فردی شده، از سوی دیگر باعث تخصیص بهینه منابع و ارتقاء ارزش و در نهایت بالا بردن کارایی شرکت می‌شود (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷). با توجه به ادبیات بیان شده در بالا، در این پژوهش ابتدا نقش کوتاه‌بینی مدیریتی که یک بحث روان‌شناختی در باب مدیریت است بر کارایی شرکت‌ها مشخص می‌شود و سپس به این سؤال پاسخ داده شده است که آیا می‌توان با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی باعث تعدیل اثر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها شد.

مبانی نظری پژوهش

کارایی

کارایی مربوط به اجرای درست کارها در سازمان است، یعنی تصمیماتی که باهدف کاهش هزینه‌ها، افزایش مقدار تولید و بهبود کیفیت محصول اتخاذ می‌شوند. کارایی

عبارت است از نسبت بازده واقعی به دست آمده به بازدهی استاندارد و تعیین شده (مورد انتظار) یا نسبت مقدار کاری که انجام می‌شود به مقدار کاری که باید انجام شود.

کوتاه بینی مدیریتی

در تعریف کوتاه بینی تمایل یا نگرش در تعریف تعصب یا سوگیری، به ویژه به منزله محدودیت دید، آمده است. قضاوت بی دلیل مربوط به تعریف سوگیری، در تعاریف کوتاه بینی به معنای عدم پیش بینی یا تفکر سطحی تعبیر می‌شود. تعریف متداول کوتاه بینی و سوگیری حاکی از آن است که کوتاه بینی شکلی از سوگیری یا پیش داوری پایدار است که در ارتباط با دید افراد و سازمان‌ها به دنیا ثابت شده است (کرن^۵، ۲۰۰۶). شناخت اشکال مختلف کوتاه بینی می‌تواند در جلوگیری از انجام رفتارهای کوتاه بینانه مفید واقع شود (مزیک^۶، ۲۰۱۰). لوینتال و مارچ (۱۹۹۳) اشکال کوتاه بینی را در سه سطح شناسایی کرده‌اند. با توجه به ویژگی مورد بررسی، مدیران کوتاه بین در این پژوهش مدیرانی را که از منافع بلندمدت به خاطر منافع کوتاه مدت چشم پوشی می‌کنند را شامل می‌شود. لذا، این پژوهش را از نوع کوتاه بینی زمانی می‌توان طبقه بندی کرد.

کوتاه بینی فاصله ای: کوتاه بینی فاصله ای به ناآگاهی از فناوری‌ها، فرایندهای جاری موجود در داخل و خارج از سازمان (میلر^۷، ۲۰۰۲) و فناوری مطلوب یادگیری جدید برای یادگیرنده (لوینتال و مارچ، ۱۹۹۳) اطلاق می‌شود.

کوتاه بینی زمانی: کوتاه بینی زمانی به ناآگاهی از منافع یا فرصت‌ها و اقدام به سرمایه گذاری‌های کوتاه مدت گفته می‌شود و احتمال به خطر انداختن اداره بلندمدت سازمان در ازای یک دوره کوتاه مدت را در پی دارد.

کوتاه بینی ناشی از اعتماد به نفس کاذب: اعتماد به نفس کاذب موجب می‌شود که مدیران ارشد برای تفسیر نتایج تاریخی، برآوردی بیش از توانایی خود در مدیریت و کنترل ریسک داشته باشند. این مدیران، موفقیت را به توانایی‌های خودشان و شکست را به شانس یا عوامل خارجی نسبت می‌دهند.

حاکمیت شرکتی

حساس یگانه (۱۳۸۵) در مقاله حاکمیت شرکتی در ایران با بررسی تعریف‌ها و مفاهیم حاکمیت شرکتی و مرور دیدگاه‌های صاحب نظران، چنین بیان می‌کند که «حاکمیت شرکتی قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود». رابرت مانگزو و نل مینو، دو صاحب نظری که پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای در مورد حاکمیت شرکتی انجام داده‌اند. در سال ۱۹۹۵ حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده‌اند: ابزاری که هراجماع به وسیله آن جهت حرکت شرکت را تعیین می‌کند و یا به عبارت دیگر، حاکمیت شرکتی عبارت است از روابط میان گروه‌های مختلف در تعیین جهت گیری و عملکرد شرکت. گروه‌های اصلی عبارتند از: سهامداران، مدیرعامل و هیئت‌مدیره. سایر گروه‌ها، شامل کارکنان هستند (حساس یگانه، ۱۳۸۵).

پیشینه پژوهش

مرادی و باقری (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی و مدیریت سود بر بازده سهام پرداختند و دریافتند که کوتاه‌بینی مدیریتی در بلندمدت باعث کاهش بازدهی بلندمدت می‌شود و آثار مخرب کوتاه‌بینی مدیریتی در مقایسه با مدیریت سود بر بازده در بلندمدت بیشتر است. تائبی نقندری و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که حاکمیت شرکتی عملکرد اقتصادی شرکت را بهبود می‌بخشد و این رابطه توسط اندازه شرکت به عنوان متغیر تعدیل‌گر تقویت می‌شود. غلامی جمکرانی و خرمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان سازوکارهای نظام راهبری شرکت و خوش‌بینی مدیریتی دریافتند که از میان سازوکارهای انتخاب شده از نظام راهبری شرکتی، مالکیت مدیریت، تمرکز مالکیت و ویژگی‌های هیئت‌مدیره شامل عدم دوگانگی وظیفه، اندازه و استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت مدیریت و استقلال هیئت‌مدیره توانسته میزان خوش‌بینی مدیران را کاهش دهد. عرب مازار (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «DEA در مقابل سایر تکنیک‌های سنجش کارایی» بعد از مقایسه این روش با سایر روش‌های سنجش کارایی نظیر استفاده از نسبت‌ها

و شاخص‌های مهندسی، رگرسیون تابع مرزی تصادفی (SAF) و شاخص مالم کوئیست، در نهایت به این نتیجه رسید که روش DEA نسبت به سایر روش‌ها بهتر و کامل‌تر است. چاودوری^۸ (۲۰۱۲) از شاخص جدیدی برای کوتاه‌بینی مدیریتی استفاده کرد و نشان داد که سن مدیران، شاخصی برای کوتاه‌بینی است به این صورت که هرچه سن مدیر بیشتر باشد، مدت زمان حضورش در دفترش کمتر است و به‌طور متوسط مدت زمان کمتری برای تحقیق و توسعه و هزینه‌های سرمایه‌ای اختصاص می‌دهد و همچنین احتمال اینکه دچار کوتاه‌بینی باشد بیشتر است. می‌توان ادعا کرد که مدیران جوان‌تر تمایل به مدیریت شرکت‌های صنعتی دارند و هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های سرمایه‌ای را افزایش می‌دهند.

میزیک و جاکوبسون (۲۰۰۷) توجه خود را به کاهش هزینه‌های بازاریابی شرکت‌ها معطوف کردند و دریافتند که شرکت‌های درگیر مدیریت کوتاه‌بین، در زمان رکود اقتصادی، عملکرد مالی بسیار پایین‌تری نسبت به سایر شرکت‌ها خواهند داشت. باشی^۹ (۱۹۹۸) نقش سرمایه‌گذاران و پاداش‌های مدیریتی در رفتار کوتاه‌بینانه را ارزیابی کرد. نگاه ویژه باشی در این ارزیابی به کاهش مخارج تحقیق و توسعه به منزله راهکار جبران افت درآمدها بود. وی نتیجه گرفته است که شرکت‌های دارای مالکیت سازمانی، تمایل کمتری به کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه دارند؛ زیرا کنترل‌های سازمانی تا حد زیادی مانع از بروز رفتار کوتاه‌بینانه می‌شود. او همچنین دریافت که در زمان افزایش سهم سرمایه‌گذاران و مالکیت شخصی به خاطر عدم نظارت احتمال کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه بیشتر می‌شود.

اودیاله^{۱۰} (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل با معیار بازده سرمایه به کار گرفته شده، رابطه مثبت و قوی وجود دارد. در این پژوهش برای محاسبه بازده سرمایه به کار گرفته شده، از نسبت سود بعد از مالیات به سرمایه منتشر شده استفاده می‌شود. آمان^{۱۱}

و همکاران (۲۰۱۱) اثر ارزیابی حاکمیت شرکتی بر درجه رقابت بازار را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج آنها نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی به طور معناداری، ارزش شرکت را در صنایع غیر رقابتی افزایش می‌دهد.

گمپرز^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرکت‌ها با داشتن حاکمیت شرکتی بهتر، دارای عملکرد بهتر، ارزش بالاتر و بازده سهام بالاتری هستند. جاستین^{۱۳} و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود به بررسی تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های چینی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرکت‌ها با داشتن رژیم حاکمیت شرکتی بهتر دارای عملکرد بهتر و ارزش بالاتری هستند، همچنین بین تمرکز مالکیت، سرمایه‌گذاران نهادی، مالکیت دولتی با عملکرد و ارزش بازار، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

مطالب یاد شده در بالا عمدتاً بیانگر این بوده است که کوتاه‌بینی مدیریتی اثر منفی بر ارزش شرکت در بلندمدت داشته و سازوکارهای حاکمیت شرکتی دارای نقش موثر نظارتی بر مدیریت است. با توجه به عدم وجود پژوهش جامع در زمینه تأثیر کوتاه‌بینی بر کارایی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده کیفیت حاکمیت شرکتی در این رابطه، سبب انجام این پژوهش شده است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش در این زمینه در مورد شکل‌گیری فرضیه‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت، مدیرانی که به پیروی از نگرش کوتاه‌بینانه خود از تحمل بعضی هزینه‌های استراتژیک صرف نظر می‌کنند (مدیرانی که در سال‌های پایانی مدیریت خود بوده یا زمانی که پاداش مدیریت بر مبنای سود آخر سال تعیین می‌شود و مواردی از این قبیل). در این حالت برای مدیریت صرف هزینه‌هایی که منافع آنها به صورت بلندمدت است، اهمیت خود را از دست خواهد داد و در پی کاهش آنها اقدام خواهند کرد که در

نهایت موجب پایین آمدن کیفیت سود و به دنبال آن باعث پایین آمدن کارایی معیارهای ارزیابی عملکرد خواهد شد. با توجه به موارد ذکر شده فرضیه اول را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

فرضیه اول: کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت تأثیر معناداری دارد.

رفتار کوتاه‌بینانه مدیران که در بیشتر مواقع بدون در نظر گرفتن حقوق و منافع کلیه ذی‌نفعان است و فقط منافع خود مدیر یا گروه خاصی را در بر می‌گیرد، یکی از دلایلی است که می‌توان گفت اجازه چنین رفتاری را به مدیران خواهد داد. عدم نظارت کافی بر عملکرد مدیران، این رفتار را تشدید می‌نماید. پس به نظر می‌رسد می‌توان با بالا بردن کیفیت سطح نظارتی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها را تعدیل کرد. لذا، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند.

روش انجام پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای آماده‌سازی داده‌ها از اطلاعات ره‌آورد نوین، گزارش‌های هیئت‌مدیره و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی استفاده شده است. دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۳ است. شرایط و محدودیت‌های زیر برای انتخاب نمونه آماری از بین کلیه شرکت‌ها قرار داده شده و به روش تصادفی و حذف سیستماتیک نمونه انتخاب شده است. اطلاعات موردنیاز شرکت‌ها، در طول دوره تحقیق در دسترس باشد. سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد و در دوره مورد مطالعه سال مالی خود را تغییر نداده باشد. وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشد و سهام شرکت طی سال‌های مورد بررسی مورد معامله قرار گرفته باشد. تا پایان ۱۳۹۳ از فهرست شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشد. جزء

شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد. در نهایت، ۱۰۱ شرکت برای دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۶ انتخاب شد.

متغیر وابسته

به منظور محاسبه متغیر «کارایی شرکت» از روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده شده است. تحلیل پوششی داده‌ها یک تکنیک ناپارامتریک کلاسیک و مبتنی بر برنامه‌ریزی است. مزیت قابل توجه آن عدم نیاز به تعیین مشخصات پارامتریک (همچون تابع تولید) برای به دست آوردن امتیازات کارایی است (سیرپولوس^۴ و همکاران، ۲۰۱۰) که در محاسبه آن دو روش مهم بازده به مقیاس ثابت و متغیر وجود دارد. اما از آنجایی که الگوی بازده به مقیاس متغیر تعداد بیشتری از شرکت‌ها را کارا نشان می‌دهد و در مقابل بازده به مقیاس ثابت تعداد کمتری از شرکت‌ها را کارا نشان می‌دهد (خواجوی و همکاران، ۱۳۸۴)، لذا، به منظور انطباق با واقعیت و رعایت محافظه‌کاری، رویکرد این تحقیق بازده به مقیاس ثابت انتخاب شده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱) و به پیروی از تحقیقات دیدار و همکاران (۱۳۹۳) و لیائو (۲۰۱۰) ورودی‌ها شامل هزینه‌های جاری سالانه، میانگین دارایی‌های غیر جاری در طی سال، و تعداد کارکنان و خروجی‌های شامل فروش ناخالص، سود قبل از مالیات، و بازده سهام شرکت در بازار است و نرخ کارایی شرکت‌ها در صنعت مربوطه با استفاده از نرم افزار MAX DEA محاسبه شده است.

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، کوتاه‌بینی مدیریتی است. انتظار می‌رود زمانی که شرکت‌ها به موفقیت مالی چشمگیری دست می‌یابند، فرصت و منابع لازم را برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت در آینده داشته باشند. بنابراین، شرکت‌هایی که به‌طور همزمان بازده دارایی بیش از حد مورد انتظار و هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه کمتر از حد مورد انتظار را گزارش می‌کنند، به احتمال زیاد درگیر مدیریت کوتاه‌بین هستند. برای شناسایی و تعیین شرکت‌های کوتاه‌بین ابتدا لازم است سطح مورد انتظار بازده دارایی، هزینه بازاریابی، و

هزینه تحقیق و توسعه را برای هر شرکت در هر دوره زمانی بر آورد کرد. در این راستا به پیروی از اندرسون^{۱۴} و هسایو (۱۹۸۲) از روابط یک تا سه استفاده می‌شود.

$$ROA_{IT} = \beta_0 + \beta_1 ROA_{IT-1} + \varepsilon_{IT} \quad (۱)$$

$$MKTG_{IT} = \beta_0 + \beta_1 MKTG_{IT-1} + \varepsilon_{IT} \quad (۲)$$

$$R \& D_{IT} = \beta_0 + \beta_1 R \& D_{IT-1} + \varepsilon_{IT} \quad (۳)$$

که در آن؛ ROA_{IT} ، بازده دارایی سال جاری؛ ROA_{IT-1} ، بازده دارایی سال قبل؛ $MKTG_{IT}$ ، هزینه بازاریابی سال جاری؛ $MKTG_{IT-1}$ ، هزینه بازاریابی سال قبل؛ $R \& D_{IT}$ ، هزینه تحقیق توسعه سال جاری؛ و $R \& D_{IT-1}$ ، هزینه تحقیق و توسعه سال قبل است.

بر آورد مقادیر بازده دارایی‌ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه با استفاده از الگوهای فوق انجام می‌گیرد و مقادیر پیش‌بینی شده حاصل از الگوی با مقادیر واقعی مقایسه شده، سپس با توجه به خطای پیش‌بینی این سه الگو، شرکت‌ها در دو گروه اصلی تقسیم بندی می‌شود. از آنجایی که اندازه‌گیری متغیر کوتاه‌بینی مدیریتی به صورت کیفی است، بنابراین شرکت‌های که دارای ویژگی کوتاه‌بینی مدیریتی است عدد (۱) و به شرکت‌های که شامل چنین ویژگی هستند عدد (۰) تعلق می‌گیرد.

متغیر تعدیل‌گر

متغیر تعدیل‌گر پژوهش حاضر، کیفیت حاکمیت شرکتی (gov) است که طبق آیین نامه نظام راهبری شرکتی مصوب سال ۱۳۸۶ و همچنین بر اساس مقاله حساس یگانه (۱۳۸۵) این متغیر کیفی بر اساس ۶۹ عامل زیر اندازه‌گیری می‌شود. اگر هر یک از عوامل مصداق داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ خواهد شد. در پایان از جمع زدن این امتیازها، نمره حاکمیت شرکتی محاسبه می‌شود (دیدار و بیگی، ۱۳۹۴).

جدول شماره ۱. معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی

عنوان	عوامل مربوطه
(۱) هیئت مدیره	۱. آیا نقش رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت‌ها از هم تفکیک شده است؟
	۲. آیا رئیس هیئت مدیره مستقل است؟
	۳. آیا اکثریت مدیران غیر اجرایی هستند؟
	۴. آیا مدیران به وضوح به اجرایی و غیر اجرایی طبقه‌بندی شده‌اند؟
	۵. آیا بیوگرافی هیئت مدیره افشا شده است؟
	۶. آیا عضویت هیئت مدیره در مدیریت دیگر شرکت‌ها افشا شده است؟
	۷. آیا عضو هیئت مدیره به عنوان عضو هیئت مدیره بیش از پنج شرکت ذکر شده فعالیت نمی‌کنند؟
	۸. آیا تمام جلسات هیئت مدیره افشا شده است؟
	۹. آیا سوابق جلسات شخصی هیئت مدیره افشا شده است؟
	۱۰. آیا تعداد اعضای هیئت مدیره به حداقل تعداد مقرر در پیش نویس آیین نامه راهبری شرکتی (۷ نفر) رسیده است؟
	۱۱. آیا اعضای هیئت مدیره حداقل تعداد سهامی را که باید تا پایان همکاری در اختیار داشته باشند، دارا هستند؟
	۱۲. آیا دستور کار جلسات هیئت مدیره قبل از برگزاری جلسات در اختیار مدیران قرار می‌گیرد؟
	۱۳. آیا اعضای هیئت مدیره برای دوره ۲ ساله انتخاب می‌شوند؟
	۱۴. آیا هیئت مدیره طرح‌های راهبردی شرکت و مسائل پیش روی شرکت را در سال، حداقل در یک جلسه مورد بررسی قرار می‌دهد؟
	۱۵. آیا برنامه‌هایی برای آموزش مستمر کلیه اعضای هیئت مدیره در سال تدوین می‌شود؟
	۱۶. آیا مدیران شرکت تحت پوشش بیمه مسئولیت برای پرداخت غرامت‌های احتمالی قرار دارند؟
امتیاز بخش ۱	۱۶
(۲) کمیته حسابرسی	۱. آیا کمیته تأسیس شده است؟
	۲. آیا صلاحیت کمیته افشا شده است؟
	۳. آیا کمیته از تعداد کافی از مدیران غیرموظف تشکیل شده است؟
	۴. آیا هویت رئیس هیئت مدیره کمیته افشا شده است؟
	۵. آیا رئیس کمیته مستقل است؟
	۶. آیا کمیته حداقل ۵ عضو دارد؟
	۷. آیا هویت اعضای کمیته افشا شده است؟
	۸. آیا جلسات کمیته افشا شده است؟
	۹. آیا سوابق جلسات کمیته افشا شده است؟
	۱۰. آیا اعضای کمیته حسابرسی در کمتر از ۳ کمیته حسابرسی شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده

عنوان	عوامل مربوطه
	در بورس فعالیت دارند؟
	۱۱. آیا کمیته حداقل ۶ بار در سال جلسه تشکیل می‌دهد؟
امتیازبخش ۲	۱۱
(۳) کمیته مدیریت ریسک	۱. آیا کمیته تأسیس شده است؟
	۲. آیا صلاحیت کمیته افشا شده است؟
	۳. آیا کمیته از تعداد کافی از مدیران غیرموظف تشکیل شده است؟
	۴. آیا هویت رئیس کمیته افشا شده است؟
	۵. آیا رئیس کمیته مستقل است؟
	۶. آیا هویت اعضای کمیته افشا شده است؟
	۷. آیا جلسات کمیته افشا شده است؟
	۸. آیا سوابق جلسات کمیته افشا می‌شوند؟
	۹. آیا بعد از هر جلسه کمیته، نتایج جلسه به جلسه بعدی هیئت مدیره گزارش می‌شود؟
	۱۰. آیا کمیته حداقل سه عضو دارد؟
	۱۱. آیا کمیته حداقل ۴ بار در سال جلسه تشکیل داده؟
	۱۲. آیا کمیته، خطرات پیش روی شرکت را افشا می‌کند؟
	۱۳. آیا شرکت دارای روش‌های کنترل روشن برای مدیریت ریسک است؟
امتیازبخش ۳	۱۳
(۴) کمیته جبران خدمات یا حقوق و مزایا	۱. آیا کمیته تأسیس شده است؟
	۲. آیا صلاحیت کمیته افشا شده است؟
	۳. آیا کمیته حداقل ۵ عضو دارد؟
	۴. آیا هویت رئیس کمیته افشا شده است؟
	۵. آیا رئیس کمیته مستقل است؟
	۶. آیا هویت اعضای این کمیته افشا شده است؟
	۷. آیا جلسات کمیته افشا شده است؟
	۸. آیا سوابق جلسات کمیته افشا شده است؟
	۹. آیا کمیته در سال حداقل ۴ جلسه تشکیل می‌دهد؟
امتیازبخش ۴	۹
(۵) افشا و شفافیت	۱. آیا ساختار مالکیت شرکت افشا شده است؟
	۲. آیا جزئیات پاداش هیئت مدیره افشا شده است؟
	۳. آیا وام‌های شرکت افشا شده است؟
	۴. آیا عملکرد شرکت افشا شده است؟

عنوان	عوامل مربوطه
	۵. آیا اهداف و استراتژی‌های شرکت افشا شده‌اند؟ ۶. آیا فعالیت‌های اصلی شرکت افشا شده‌اند؟ ۷. آیا سیاست‌های تقسیم سود افشا شده‌اند؟ ۸. آیا معاملات با اشخاص وابسته افشا شده است؟ ۹. آیا موارد استثناء از پیش نویس آیین نامه راهبری شرکتی افشا شده است؟
امتیازبخش ۵	۹
امتیازبخش ۵ کنترل‌های داخلی	۱. آیا نتیجه حسابرسی اثر بخش بودن سیستم کنترل‌های داخلی شرکت، افشا شده است؟ ۲. آیا صورت‌های مالی توسط هیئت‌مدیره و مدیرعامل امضا می‌شود؟ ۳. آیا شرکت بیانیه‌ای در مورد خروج از استانداردهای حسابداری تهیه می‌کند؟ ۴. آیا شرکت پیش نویسی برای حاکمیت شرکتی فراهم می‌نماید؟
	۴
	امتیازبخش ۶
	امتیازبخش ۶ کنترل‌های مالی و سهامداران و مدیریت
۷	
امتیازبخش ۷	
جمع کل	
۶۹	

متغیرهای کنترلی

برای اندازه‌گیری اندازه شرکت (size)، از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام؛ اهرم مالی شرکت (LEV)، از نسبت کل بدهی به کل دارایی‌ها؛ و سودآوری (Profit)، از نسبت سود به فروش استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی

میانگین به عنوان پرکاربردترین شاخص مرکزی، بسیار با اهمیت است. میانگین متغیرهای اصلی پژوهش مانند کارایی، کوتاه بینی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اساس

جدول شماره ۲ به ترتیب ۰/۴۵۶، ۰/۲۶۴ و ۱۵/۹۶ است. مقادیر فوق نشانگر آن است که سطح میانگین کارایی، نگرش کوتاه‌بینی و کیفیت حاکمیت شرکتی در بین شرکت‌ها پایین است. بر اساس مقادیر ضریب تغییرات بیشترین مقدار مربوط به کوتاه بینی مدیریت و سودآوری است که بیان کننده اختلاف بیشتر سطح نگرش کوتاه‌بینی و سودآوری در بین شرکت‌های نمونه پژوهش است.

جدول شماره ۲. نتایج آمار توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب تغییرات	حداکثر	حداقل	مقدار حاکمیت	نشانگر
کارایی شرکت	۰/۴۵۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳۱	۰/۵۰۶	۱۶/۹۱۶	۰/۰۰۰
کوتاه‌بینی مدیریت	۰/۲۶۴	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۴۱	۱/۶۷۱	۱۷۸/۱۱۱	۰/۰۰۰
کیفیت حاکمیت شرکتی	۱۵/۹۶۲	۳۸	۳	۴/۶۸۴	۰/۲۹۳	۸۶/۶۰۶	۰/۰۰۰
سودآوری	۲۳/۶۹۸	۲۶۶/۵۴۴	-۱۰۶/۵۶۳	۳۰/۳۰۵	۱/۲۷۸	۵۱۰۶/۶	۰/۰۰۰
اندازه	۱۳/۴۵۱	۱۸/۹۵۷	۹/۰۱۳	۲/۰۶۳	۰/۱۵۳	۸/۸۲۷	۰/۰۱۲
اهرم مالی	۰/۵۹۲	۱/۵۶۷	۰/۰۱۲	۰/۱۹۹	۰/۳۳۶	۴۴/۹۵	۰/۰۰۰

با توجه به حجم بالای مشاهدات از همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل استفاده شده است. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که هیچ همبستگی جدی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد، لذا الگوهای طراحی شده برای آزمون فرضیه‌ها، از این نظر مطلوب هستند.

نوع الگوی داده‌های ترکیبی: نتایج آزمون اف لیمر برای فرضیه اول با آماره (۳/۲۲۷) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) و برای فرضیه دوم با آماره (۲/۷۵۷) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد الگوی هر دو فرضیه دارای ساختار تابلویی است و آزمون هاسمن برای فرضیه اول با آماره (۱۱/۲۵۳) و سطح معناداری (۰/۰۲۴) و برای فرضیه دوم با آماره (۱۹/۹۵۱) و سطح معناداری (۰/۰۰۳) نشان می‌دهد الگوی هر دو فرضیه در نهایت به صورت اثرات ثابت است.

جدول شماره ۳. همبستگی بین متغیرها (پیرسون)

متغیر	کارایی (EF)	کوتاه‌بینی مدیریتی (Myopic)	کیفیت حاکمیت شرکتی (Gov)	سودآوری (Profit)	اندازه (Size)	اهرم (Lev)
EF	۱					
Myopic	-۰/۰۶۴	۱				
Gov	۰/۳۳۴	۰/۰۱۳	۱			
Profit	۰/۱۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۳۸	۱		
Size	۰/۲۵۹	-۰/۰۸۷	۰/۰۶۳	۰/۰۷۲	۱	
Lev	-۰/۰۰۸	۰/۱۰۷	-۰/۰۱۹	-۰/۲۴۸	-۰/۱۲۴	۱

به منظور آزمون بررسی ناهمسانی واریانس جمله خطا از آزمون نسبت درست نمایی^{۱۵} (افلاطونی، ۱۳۹۴) استفاده شده است که برای فرضیه اول با آماره (۱۹۶/۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) و فرضیه دوم با آماره (۲۶۱/۲۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۰۱)، نشان می‌دهد الگوهای هر دو فرضیه دارای مشکل ناهمسانی جمله خطا هستند. برای حل مشکل، الگوی فرضیه‌ها با روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی^{۱۶} (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳) اجرا شده است.

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌نمود که کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت، تأثیر معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه اول در جدول شماره ۴ آورده شده است. همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود نتایج مربوط به سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که الگو در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱/۵۵)، مشکل خود همبستگی وجود ندارد. علاوه بر آن نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در دوره پژوهش ۰/۵۴ از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیرهای مستقل پژوهش بوده است. نتایج متغیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر اساس ضریب رگرسیونی -۰/۰۵۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که کوتاه‌بینی مدیریتی تأثیر منفی و معناداری بر کارایی شرکت دارد. همچنین متغیرهای کنترلی اثر مثبت و معناداری بر کارایی دارند.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون فرضیه اول

$EF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Myopic_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 profit_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \epsilon_{i,t}$			
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
کوتاه‌بینی مدیریتی	-۰/۰۵۴	-۵/۰۹۸	۰/۰۰۰
سودآوری	۰/۰۰۱	۴/۶۳	۰/۰۰۰
اندازه	۰/۰۱۹	۷/۵۷۷	۰/۰۰۰
اهرم	۰/۱۱۸	۲/۸۳۵	۰/۰۰۵
مقدار ثابت	۰/۱۲۸	۳/۰۰۸	۰/۰۰۳
ضریب تعیین	۰/۶۰۵	آماره F	۱۰/۳۵۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۷	سطح معناداری F	۰/۰۰۰
دوربین واتسون			۱/۵۵۵

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها، تأثیر منفی و معناداری دارد. البته به‌خاطر بالا نبودن ضرایب، این نتیجه‌گیری باید با احتیاط صورت بگیرد. شرکت‌هایی که درگیر مدیریت کوتاه‌بین هستند با کاهش هزینه‌هایی مانند تحقیق و توسعه و بازاریابی و یا هزینه‌های مشابه با ماهیت این نوع هزینه‌ها، که تحمل این قبیل هزینه‌ها عموماً اهداف بلند دارند؛ باعث پایین آمدن کارایی شرکت‌ها می‌شوند. هر چند فعالیت کوتاه‌بینانه ممکن است دارای منافع موقت باشد ولی به‌خاطر اینکه بازار سرمایه قادر به شناسایی یا درک صحیح پیامدهای کوتاه‌بین در زمان وقوع نیست و پیامدهای آن در زمان‌های آینده و با تأخیر ارزیابی می‌شود بهتر است تمامی اشکال آن مورد توجه قرار گیرد. نتایج حاصل از فرضیه اول با مبانی نظری و تحقیقات انجام شده توسط لهنم (۲۰۰۴)، و مرادی و باقری (۱۳۹۳) سازگار است.

نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم بیان می‌نماید که کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند. نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول شماره ۵ آورده

شده است. همانطور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود نتایج مربوط به سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که الگو در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱/۶۹) مشکل خود همبستگی ندارد. علاوه بر آن نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در دوره پژوهش ۰/۵۹ از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیرهای مستقل این پژوهش بوده است. با توجه به سطح معناداری متغیر تعدیل‌گر (کوتاه‌بینی مدیریتی در کیفیت حاکمیت شرکتی) برابر (۰/۰۰۰) با ضریب مثبت، کیفیت حاکمیت شرکتی نقش تعدیل‌گر مثبت بر تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت دارد. همچنین از میان متغیرهای کنترلی، سودآوری و اندازه شرکت بر کارایی شرکت‌ها تأثیر دارد.

جدول شماره ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم

$$EF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Myopic_{i,t} + \beta_2 Gov_{i,t} + \beta_3 (Myopic Gov)_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 profit_{i,t} + \beta_6 Lev_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
کوتاه‌بینی مدیریتی	-۰/۲۳۳	-۶/۶۵۲	۰/۰۰۰
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰/۰۱۴	۸/۴۵۳	۰/۰۰۰
متغیر تعدیل‌گر	۰/۰۱۱	۴/۸۲۱	۰/۰۰۰
سودآوری	/۰۰۱	۴/۸۱۹	۰/۰۰۰
اندازه	۰/۰۱۸	۷/۳۳۵	۰/۰۰۰
اهرم	۰/۰۸۴	۱/۹۱۱	۰/۰۵۷
مقدار ثابت	-۰/۰۵۱	-۱/۰۳۶	۰/۳۰۱
ضریب تعیین	۰/۶۵۱	آماره F	۱۲/۳۰۹
ضریب تعیین تعدیل شده دوربین واتسون	۰/۵۹۸	سطح معناداری F	۰/۰۰۰ ۱/۶۹۴

کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که کیفیت حاکمیت شرکتی نقش تعدیل‌کننده بین کوتاه‌بینی مدیریتی و کارایی شرکتی دارد؛ یعنی هر چه قدر رفتار مدیریت در چارچوب قواعد از پیش تعیین شده باشد و این قواعد منافع تمام گروه‌های درون سازمانی و برون سازمانی را در نظر گرفته باشد، فرصت اینکه مدیریت بیشتر منافع خود را لحاظ کند از آن گرفته خواهد شد یا لاقلاً می‌توان تا حدودی انتظار داشت این گونه تصمیمات به مرز حداقل برسد. لذا، به اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران در واحدهای اقتصادی توصیه می‌شود در انتخاب واحدهای سرمایه‌گذاری بر لزوم اجرایی شدن نظام راهبری شرکتی در بالاترین سطح توجه کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کارایی، یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد است که سرمایه‌گذاران برای پیدا کردن فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری به دنبال عوامل تأثیرگذار بر آن هستند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها با نقش تعدیل‌کننده کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران بود. در این پژوهش دو فرضیه بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. البته به خاطر بالا نبودن ضرایب، این نتیجه‌گیری باید با احتیاط صورت بگیرد. شرکت‌هایی که درگیر مدیریت کوتاه‌بین هستند با کاهش هزینه‌هایی مانند تحقیق و توسعه و بازاریابی و یا هزینه‌های مشابه با ماهیت این نوع هزینه‌ها، که تحمل این قبیل هزینه‌ها عموماً اهداف بلند دارند، باعث پایین آمدن کارایی شرکت‌ها می‌شوند. هر چند فعالیت کوتاه‌بینانه ممکن است دارای منافع موقت باشد ولی به خاطر اینکه بازار سرمایه قادر به شناسایی یا درک صحیح پیامدهای کوتاه‌بین در زمان وقوع نیست و پیامدهای آن در زمان‌های آینده و با تأخیر ارزیابی می‌شود، بهتر است تمامی اشکال آن مورد توجه قرار گیرد.

کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر کارایی شرکت‌ها را تعدیل می‌کند؛ یعنی کیفیت حاکمیت شرکتی نقش تعدیل‌کننده بین کوتاه‌بینی مدیریتی و کارایی شرکتی دارد. پس هر چه قدر رفتار مدیریت در چارچوب قواعد از پیش تعیین شده باشد و این قواعد منافع تمام گروه‌های درون سازمانی و برون سازمانی را در نظر گرفته باشد، فرصت اینکه مدیریت بیشتر منافع خود را لحاظ کند از آن گرفته خواهد شد یا لاقبل می‌توان تا حدودی انتظار داشت این گونه تصمیمات به مرز حداقل برسد. لذا، به اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران در واحدهای اقتصادی توصیه می‌شود در انتخاب واحدهای سرمایه‌گذاری بر لزوم اجرایی شدن نظام راهبری شرکت‌ها در بالاترین سطح توجه کنند. با توجه به نتایج فوق پیشنهاد می‌شود تأثیر سایر اشکال کوتاه‌بینی مدیریتی (ناشی از اعتماد به نفس کاذب و یا فاصله‌ای) بر کارایی شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود تأثیر کوتاه‌بینی مدیریتی بر سایر معیارهای ارزیابی عملکرد با نقش تعدیل‌کننده کیفیت حاکمیت شرکتی بررسی شود.

یادداشت‌ها

1. Levinthal
2. Lehman
3. Keasey
4. Siroopoulos
5. Kern
6. Mizik
7. Miller
8. Chowdhury
9. Bushee
10. Uadiale
11. Amman
12. Gompers
13. Justin
14. Aderson
15. Likelihood-ratio
16. Estimate Generalized least squares

منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ریسک ورشکستگی شرکت و نوسان‌های سیستماتیک و ویژه بازده سهام بر میزان نگهداشت وجه نقد. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲(۱)، ۴۰-۲۱.
- تائبی نقندری، امیرحسین؛ تائبی نقندری، علی؛ عباس‌زاده، مه‌ری. (۱۳۹۶). تأثیر تعدیل‌گری اندازه شرکت بر رابطه حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی شرکت‌ها. *دانش حسابداری*، ۸(۱)، ۱۵۵-۱۸۲.

خواجه‌ی، شکراله؛ سلیمی‌فرد، علیرضا؛ ربیع، مسعود. (۱۳۸۴). کاربرد تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) در تعیین پرتفویی از کاراترین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله علوم اجتماعی و انسانی*، ۲۲(۲)، ۷۵-۸۹.

دیدار، حمزه؛ بیگی، خدیجه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و مزاد بازده با تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه*.

دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا؛ کفعمی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۴)، ۴۰۹-۵۴۰.

دیدار، حمزه؛ حساس یگانه، یحیی؛ مهران، کاوه؛ محمدی، شاپور. (۱۳۹۳). تدوین و تبیین مدل کیفیت گزارشگری مالی عدم تقارن اطلاعاتی و کارایی سرمایه‌گذاری در سطح شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۲(۴۸)، ۱۶۷-۱۴۵.

دادخواه، مهرداد؛ هادی، عبدالله؛ توسلی، مجید؛ علیمزادی، محمد. (۱۳۸۹). اندازه‌گیری کارایی مالی نسبی شرکت‌های فعال در صنایع ساخت قطعات خودرو پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *حسابداری مالی*، ۲(۸)، ۱۱۳-۱۳۳.

عرب‌مازار، فاطمه. (۱۳۹۰). DEA در مقابل سایر تکنیک‌های سنجش کارایی. *سومین همایش ملی تحلیل پوششی داده‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه*.

غلامی جمکرانی، رضا؛ خرمی، داریوش. (۱۳۹۵). سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و خوش‌بینی مدیریتی. *دانش حسابداری*، ۲۷(۲)، ۱۵۹-۱۸۱.

مرادی، جواد؛ باقری، هادی. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای تأثیر کوتاه‌بینی مدیریت و مدیریت سود بر بازده سهام. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۲)، ۲۵۰-۲۲۹.

مرادی، محسن؛ شفیعی سردشت، مرتضی؛ ابراهیم‌پور، ملیحه. (۱۳۹۱). پیش‌بینی در ماندگی مالی شرکت‌ها به وسیله مدل‌های ماشین بردار پشتیبان و تحلیل ممیزی چندگانه. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۵(۱۸)، ۱۱۳-۱۳۶.

مهرانی، کاوه؛ صفرزاده، محمدحسین. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی. *دانش حسابداری*، ۲(۷)، ۶۹-۹۸.

نمازی، محمد؛ کرمانی، احسان. (۱۳۸۷). تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۵۳)، ۸۳-۱۰۰.

حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی در ایران. *حسابرس*، ۸(۳۲)، ۳۹-۳۲.

- Aderson, T.W., Hsiao. C. (1982). Formulation and estimation of dynamic modes using panel data. *Journal of Econometrics*, 18(1), 47-82.
- Aflatooni, A. (2015). Investigating the effect of firms' bankruptcy risk and stock returns' systematic and idiosyncratic volatiles on cash holding. *Juornal of Accounting and Auditing Review*, 22(1), 21-40 [In Persian].
- Amman, M., Oesch, D., Schmid, M.M. (2011). Product market competition, corporate governance, and firm value: Evidence from the EU area. *European Financial Management*, 19(3), 452-469.
- Arab Mazar, F. (2011). DEA in comparison with another method of evaluation efficiency. *The third national conference on data envelopment analysis* [In Persian].
- Bushee, B.J. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior. *Accounting Review*, 73(3), 305-333.
- Chowdhury, J. (2012). Managerial myopia: A new look. Available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1991429.
- Dadkhah, M., Hadivencheh, A., Tavassoli Kajani, M., Alimoradi, M. (2010). The measurement of relative financial efficiency of companies in automobile and car accessories manufacturing industry listed in Tehran Stock Exchange using data envelopment analysis (DEA) & investigating its relation with stock returns. *Journal of Financial Accounting*, 2(8), 113-133 [In Persian].
- Didar, H. Beige, K. (2015). Investigating the relationship between capital structure and surplus outcome with effect of corporate governance quality as a moderating variable in the companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Master's Thesis*, Faculty of Economics and Management, Urmia University [In Persian].
- Didar, H., Hassas Yeghaneh, Y., Mehrani, K., Mohammadi, S. (2012). Presentation and explanation relationship model between financial reporting quality, asymmetric information and investment efficiency of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Auditing Knowledge*, 12(48), 167-145 [In Persian].
- Didar, H., Mansourfar, G., Kafami, M. (2015). The impact of corporate governance mechanisms on the tax gap of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21(4), 409-430 [In Persian].
- Gholami Jamkarani, R., Khorrami, D. (2016). Corporate governance mechanisms and managerial optimism. *Journal of Accounting Knowledge*, 27(2), 159-181 [In Persian].
- Gompers, P.J., Ishii, A., Metrick, A. (2003). Corporate governance and equity prices. *Quarterly Journal of Economics*, 118(1), 107-155.
- Hasas Yeghaneh, Y. (2006). Corporate governance in Iran. *Journal of Auditing*, 8(32), 32-39 [In Persian].
- Justin, T., Wang, H.S., Haiyan, Z. (2009). Corporate governance and operating performance of Chinese listed firms. <https://www.ssrn.com>.

- Keasey, K., Thompsons, S., Wright, M. (2005). Corporate of the firm. managerial behavior ,agency costs ownership structure. *Journal of Financial and Economic*, 3, 305-360.
- Kern, D.A. (2006). A matter of strategic mis-fit: Management myopia and value, *Ph.D dissertation*. Oklahoma State University.
- Khajavi, S., Ghazanfari, S.H. (2004). Implementation of DEA to determine portfolio from the most thriving companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Humanities Shiraz University*, 2(2), 75-89 [In Persian].
- Lehman, D.R. (2004). Matrice for making marketing matter. *Journal of Marketing*, 64(4), 73-75.
- Levinthal, D.A., March, J.G. (1993). The myopia of learning. *Strategic Management Journal*, 14(winter), 92-112.
- Liao, C.S., Yang, C.H., Liu, D. (2010). Efficiency productivity and ownership structure for securities firms in Taiwan. *Journal of Money Investment and Banking*, 14(2010), 46-58.
- Mehrani, K., Safarzadeh, M. (2011). Explaining the relationship between corporate governance and earnings quality in Iran. *Journal of Accounting Knowledge*, 2(7), 69-98 [In Persian].
- Miller, K.D. (2002). Knowledge inventories and managerial myopia. *Strategic Management Journal*, 23(8), 689-706.
- Mizik, N. (2010). The theory and practice of myopic management. *Journal of Marketing Research*, 47(4), 594-611.
- Mizik, N., Jacobson, R. (2007). Myopic marketing management: Evidence of the phenomenon and its long-term performance consequences in the SEO context. *Marketing Science*, 26(3), 361-79.
- Moradi, J., Bagheri, H. (2014). A comparative investigation into the effects of management myopia and earnings management on stock return. *Journal of Accounting and Auditing*, 21(2), 229-250 [In Persian].
- Moradi, M., Shafie Sardasht, M., Ebrahimpour, M. (2012). Prediction of financial distress firms by name of support vector machine models and multiple discrimination analysis. *Journal of Securities Exchange*, 5(18), 113-116 [In Persian].
- Namazi, M., Kermani, E. (2008). Investigating the effects of ownership structure on the performance of the companies accepted in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 15(53), 83-100 [In Persian].
- Siriopoulos, C., Tziogkidis, P. (2010). How do Greek banking institution react after significant event? *A DEA approach Omega Journal*, 38(5), 294-308.

- Taebi Noghondari, A., Taebi Noghondari, A., Abbaszadeh, M. (2017). Moderating effect of firm size on relationship between corporate governance and corporate economic performance. *Journal of Accounting Knowledge*, 8(1), 155-182 [In Persian].
- Uadiale, O.M. (2010). The impact of board structure on corporate financial performance in Nigeria. *International Journal of Business and Management*, 5(10), 155-166.

